
هندسه فضا در تئاتر باوهاوس (با تاکید بر نمایش "باله سه گانه" اثر اسکار اشلمر)

■ معصومه علینژاد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۸/۲۴ | تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۲۲

هندسه فضا در تئاتر باوهاوس (با تاکید بر نمایش "باله سه‌گانه" اثر اسکار اشلمر)

معصومه علی‌نژاد | مربی، دانشکده سینما تئاتر، دانشگاه هنر تهران

چکیده

یکی از مسایل چالش برانگیز در حوزه طراحی صحنه موضوع فضا است. در قرن بیستم تئاتر باوهاوس با نگاهی نو به مساله فضا و ساختار اجرا تعاریف تازه‌ای را ارائه می‌دهد. اسکار اشلمر از پیشروان این مکتب است که با طرح نظریه و اجرای شاخص خود در نمایش "باله سه‌گانه" فضایی را پیش رو قرار می‌دهد که در ابعاد مختلف قابل پژوهش است. به نظر می‌رسد شناسایی "هندسه فضا" در این اجرا می‌تواند الهام‌بخش اجراهای نوین باشد. از این رو با بررسی سه حوزه در "باله سه‌گانه"، به شکل مواجهه اشلمر با فضا خواهیم پرداخت. اولین بعد شناسایی فضا برای اشلمر بدن انسان است که به عنوان مدیومی جدید برای شناسایی ذات اصلی همه اشکال به شمار می‌رود. بدن به مثابه شکل والد که هر شکل و فرم در جهان خارج، از او زاده می‌شود قابل تجزیه به اشکال و احجام مختلف است. هم‌چنین در میان بدن و دنیای پیرامون فضایی نامرئی وجود دارد که انسان به آن متصل است و او را احاطه کرده است. دومین بعد شناخت فضا "حرکت بدن" و یا اشکال است که تصویر این فضای نامرئی را تا حدودی مرئی می‌کند. حرکت حول محورهای مختلف هویت احجام را مشخص می‌کند و بر اهمیت ارتباط انسان با پیرامونش تاکید می‌کند. در نمایش "باله سه‌گانه" با توجه به تنوع حرکتی و جوه مختلفی از خطوط ارتباطی اجراگر را با محیطش نشان می‌دهد. "صحنه و نور" سومین وجه از هندسه فضایی است که با تغییرات ساده علاوه بر تنوع بصری با اجرا و مفاهیم بنیادین آن هم‌سو است. طراحی صحنه جزئی آمیخته با سایر ابعاد اجرا است و به طور ماهرانه‌ای راوی پیام اجرا است. با تمرکز بر موارد ذکر شده می‌توان ابعاد هندسی نمایش را مورد بررسی قرار داد.

واژگان کلیدی: تئاتر باوهاوس، هندسه فضا، بدن، حرکت، باله سه‌گانه، طراحی صحنه و نور، اسکار اشلمر